jamejamdaily.ir
ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲

جام جم



حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت مطرح کرد:

رسانه ملی طلایه‌دار راهبردهای تربیتی

صفحه ۱۰



رسانه ۷

در گفت‌وگوی «جام جم» با کارگردان و تهیه‌کننده مجموعه مستند شبکه افق مطرح شد

خاطرات فتح به روایت «تجربه ماندگار»



رسانه ۶

در نشست خبری نخستین جشنواره شعر و موسیقی سنتی ویژه اقوام ایرانی، تشریح شد

موسیقی وحدت‌آفرین در رنگین‌کمان اقوام



رسانه ۸

پرونده تحلیلی «جام جم» درباره انیمیشن‌های دفاع مقدس

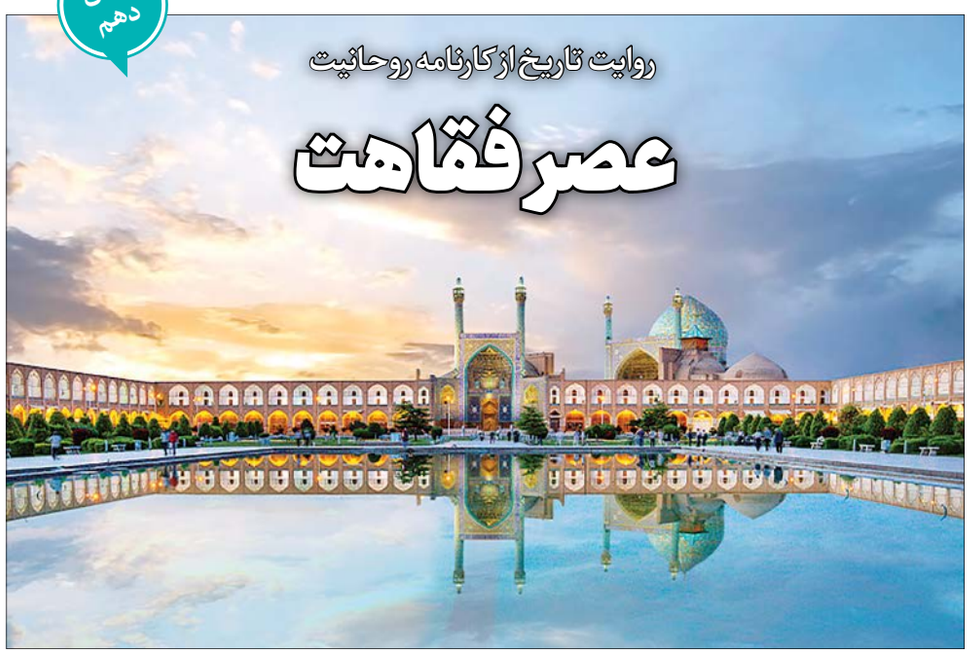
حماسه مقاومت با زبان نسل نو

زاویه دید

بخش دهم

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

عصر فقاهت





سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

ظهور حکومت و سلسله صفویان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، واقعه بسیار مهم و نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. حکومت صفویان علاوه بر این که بر چندپارگی ایران پایان دادند، برای اولین بار به مذهب اهل بیت(ع) رسمیت بخشیده و برای آن درون حکومت خود، جایگاهی مشخص و محوری تعیین کردند. روحانیت و علما در حکومت صفویان منشأ بسیاری از خدمات علمی و اجتماعی و سیاسی واقع گردیدند و سرزمین ایران به مهد مکتب اهل بیت(ع) بدل شد.

اسماعیل صفوی، بنیانگذار سلسله صفویه، نه‌تنها در سیاست داخلی، بلکه در مناسبات بین‌المللی نیز مذهب اهل بیت(ع) را اصل قرار داده بود. او از علمای ایرانی و نیز روحانیون و مراجع دینی لبنانی، عراقی و بحرینی دعوت کرد تا فقه اهل بیت (ع) و مذهب جعفری را تدوین کرده تا مورد استناد امور حکومتی قرار گیرد. «محقق کرکی» از جمله این علما بود که در نشر فقه و اصول مذهب اهل بیت (ع) شخصیت مهمی به شمار می‌آید.

قراردادن نام مبارک ۱۲ امام معصوم به عنوان سجع مهر شاهی، تعمیر و توسعه آرامگاه امامان در شهرهای عراق و مشهد و ایجاد ساختمان مقبره امامزاده‌ها در شهرهای مختلف ایران و... از دیگر اقدامات شاه‌اسماعیل در ابراز ارادت به ائمه معصوم (ع) بود.

پس از شاه‌اسماعیل، پسرش شاه‌طهماسب، از بزرگ‌ترین مراجع اسلام «محقق ثانی» دعوت کرد تا به ایران بیاید و مسئولیت امور دینی را برعهده بگیرد. جمله‌ای که مورخین از قول شاه‌طهماسب نقل کرده‌اند، نشانگر عمق معرفت دینی او به جایگاه خود و ولایت فقهاست. او در حکمی به محقق ثانی نوشته:

«تو به پادشاهی سزاوارتری. چون تو نایب امام‌زمانی. من فقط کارگزار او هستم و به اوامر و نواهی تو قیام می‌کنم.»

شاه‌طهماسب با صدور حکمی عام، همه احکام شیخ‌الاسلام محقق ثانی را واجب‌الاطاعه اعلام کرد و در حکم دیگری برای محقق کرکی، وی را به‌عنوان نایب‌الامام توصیف نمود.

شاه‌طهماسب در سرتاسر ایران، فقها و عالمان دینی را به عنوان شیخ‌الاسلام، صدر، قاضی، قاضی عسکر و نقیب دعوت به همکاری کرد تا به امور حسبه و قضاوت و سرپرستی اوقاف، نظارت بر امور شرعیه و تربیت طلاب دینی اقدام نمایند.

دوره دوم حضور و بروز علما و روحانیت اسلام در حکومت شاه‌عباس صفوی بود که عالمانی مانند شیخ بهایی و علامه محمدتقی و محمدباقرمجلسی توانستند با استفاده از فضایی که حاکمیت به‌وجود آورده بود، اصول و تفکرات اسلامی و مکتب اهل بیت (ع) و سبک زندگی دینی را در جامعه بسط داده و به انحای مختلف آن را به اقشار مختلف جامعه آموزش دهند. در واقع در عصر صفوی، روحانیت وارد متن زندگی سیاسی-اجتماعی مردم شد و به جایگاهی والا در امور اجتماعی نائل آمد.

اما برخی به گونه‌ای غیرمنصفانه و ناعادلانه، حضور روحانیون و علما در دولت و حکومت صفویه را نوعی سازش با سلاطین و شاهان دانسته و آن را موجب تخفیف شأن روحانیت و عالمان دین دانستند. در این باره حضرت امام خمینی(ره) در سخنرانی مبسوطی که در ۱۰ آبان ۵۶ به مناسبت شهادت فرزند گرانقدرشان، حاج آقا مصطفی خمینی ایراد کردند، به موضوع حضور روحانیون و علما در دربار صفویه اشاره کرده و آن را این گونه توضیح دادند:

«... این تاریخ صدساله، صد و چند ساله اخیر... می‌بینیم که یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی. با این که می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، اینها متصل شده‌اند به یک سلاطینی و این سلاطین را وادار کرده‌اند ـ خواهی‌نخواهی ـ برای ترویج مذهب، مذهب دیانت، مذهب تشیع. اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین اطرافیان آقایان بودند. الان هم حجره شاه سلطان‌حسین در چهارباغ اصفهان، در مدرسه چهارباغ اصفهان، الان هم حجره‌اش هست. اینها او را کشاندنش تو[ی] حجره، نه این که او اینها را کشیده است دنبال خودش. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلا مجلسی (رضوان‌ا... علیه)، محقق ثانی (رضوان‌ا... علیه)، نمی‌دانم شیخ‌بهایی (رضوان‌ا... علیه)، با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها همراهی‌شان می‌کردند، خیال کنند که اینها مانده بودند برای جاه و (عرض می‌کنم) عزت و احتیاج داشتند به این که شاه سلطان‌حسین و شاه‌عباس به آنها عنایتی بکنند!

این حرف‌ها نبوده در کار. آنها گذشت کردند؛ یک گذشت، یک مجاهده نفسانی کرده‌اند برای این که این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها [ترویج کنند]. در یک محیطی که اجازه می‌گرفتند که شش ماه دیگر اجازه بدهید ما حضرت امیر را سبّ بکنیم، وقتی جلوگیری از سبّ حضرت امیر می‌خواستند بکنند. اینها در یک همچو محیطی که سبّ حضرت امیر این طوری‌ها بوده و رایج بوده و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبوده، اینها رفته‌اند مجاهده کرده‌اند؛ خودشان را پیش مردم ... این دسته از علمایی که جانفشانی کردند و خودشان را جوری کردند که حالا شما به آنها اشکال می‌کنید از باب این که اطلاع بر واقعه ندارید؛ نه سوءقصد دارید، نه سوءنیت دارید، اطلاع از واقعیات ندارید. من هم اگر چنانچه می‌توانستم یک سلطان جائری را به راه بیاورم، می‌رفتم درباری می‌شدم. شما هم تکلیف‌تان این بود که اگر بتوانید یک سلطان جائری را آدمش کنید، بروید درباری بشوید. این درباری‌شدن نیست. این آدم‌سازی است. نه این است که اینها درباری شدند، اینها می‌خواهند آدم بسازند. من گله دارم....»

از فقیهان و علمای این دوره می‌توان به این افراد اشاره داشت:

- علی‌بن‌حسین‌بن‌عبدالعالی کرکی معروف به «محقق ثانی» و «محقق کرکی» که در لبنان متولد شد و برای تحصیلات مقدماتی به مصر رفت و سپس نجف را برای فراگرفتن علم و دانش برگزید تا در حوزه علمیه نجف در محضر علمای بزرگ به تکمیل علوم بپردازد.

او در دوران شاه اسماعیل اول به ایران آمد و در زمان شاه‌طهماسب با احکامی که برایش صادر کرد با دست باز به اصلاح امور دینی پرداخت. او با ارسال بخشنامه‌هایی به سرتاسر کشور، قوانین عادلانه را برای کارگزاران وضع نمود که چگونه با مردم در گرفتن مالیات و مقدار و زمانش رفتار کنند و در هر شهر و روستا، امامی را برای نماز جماعت و تعلیم احکام معین نمود. تاثیر محقق ثانی در ایران تا آنجا بود که در تواریخ و کتب مختلف نوشته شد که بعد از خواجه نصیرالدین طوسی، هیچ کس به اندازه محقق کرکی در اعتلای مذهب و ترویج مکتب اهل بیت (علیع) موثر نبوده است.

او در حد امکان و توانش، قوانین اجتماعی و قضایی اسلام را به اجرا درآورد و مهم‌تر از همه، در تربیت عالمان و فقها بسیار کوشید به گونه‌ای که وقتی به زندگی علمای قرن دهم مراجعه کنیم، اکثر آنها را از شاگردان این عالم بزرگ می‌یابیم.

محقق ثانی کتاب‌های متعددی نوشت اما مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کتاب فقهی او «جامع‌المقاصد» است که شرحی بر «قواعد» علامه ذکر شده. محقق ثانی در اواخر عمر به نجف اشرف بازگشت و به نوشته شیخ عبدالصمد حارثی، پدر شیخ‌بهایی به دست برخی کارگزاران حکومت مسموم شد و به شهادت رسید.

یادداشت

علی رستگار | گروه فرهنگ و هنر

مردی شبیه باران

خاطره‌بازی با فیلم‌های دفاع مقدسی ابوالفضل پورعرب به بهانه حضور در اکران ویژه فیلم «شماره ۱۰»



یکی از ارزش‌هـای افـزوده فیلم «شـماره ۱۰» بـه کارگردانی حمید زرگرنژاد و تهیه‌کنندگی ابراهیم اصغری، اکران در هفته دفاع‌مقدس است، چون یکی از گلایه‌های همیشگی در چنین مناسبت‌های تقویمی، نبود اثری متناسب و شایسته برای نمایش در سالن‌های سینماست. شماره ۱۰ که براساس خاطرات واقعی چند رزمنده و آزاده دوران دفاع‌مقدس ساخته شده، اگرچه فیلم ششدانگ و بدون ایـرادی نیست اما در بضاعت این سال‌های سینمای ایران در عرصه جنگ و دفاع‌مقدس حرف‌هایی برای گفتن دارد و در یک روایت قصه‌گو، مخاطب را تا پایان داستان با خود همراه می‌کند.

فیلم‌های جنگی به‌ویژه با زیرگونه فرار از زندان از پرطرفدارترین آثار سینمای جهان هستند و شماره ۱۰ هم از جذابیت‌های بالقوه چنین فضایی برای ارتباط با مخاطب بهره می‌برد. وقتی قهرمان فیلم در پایان، اسم آن ۴۲ زندانی ایرانی که بعثی‌ها از صلیب سرخ پنهان کرده‌اند را به مدد حافظه، پشت بیسیم اعلام می‌کند، احساسات وطن‌پرستانه مخاطب بیدار می‌شود و تلاش فیلم برای نمایشِ بزرگی کار قهرمانانی از این دست در دوران جنگ و مقاومت به ثمر می‌نشیند.

مراسم اکران ویژه فیلم شماره ۱۰ که شامگاه یکشنبه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد، بیشتر از همه تحت تاثیر حضور ابوالفضل پورعرب، از ستاره‌های سینمای ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود. جالب اینجاست که باتوجه به روایت قصه در بستر جنگ تحمیلی و در فضای زندان عراق با اسرای ایرانی و تلاش بعثی‌ها برای شناسایی فرمانده ایرانی، قصه شماره ۱۰ شباهت‌هایی با فیلم مردی شبیه باران به کارگردانی سعید سهیلی، محصول سال ۱۳۷۵ دارد. فیلمی که پورعرب نقش قهرمان آن را بازی می‌کرد و ابراهیم اصغری، تهیه‌کننده شماره ۱۰ هم نخستین بار به عنوان تهیه‌کننده، آن فیلم را تولید کرد. اصغری آن زمان جوانی ۳۰ ساله بود و پورعرب هم ۳۵ سال داشت و در اوج شهرت و محبوبیت بود. بازی خوب پورعرب در نقش فرماندهی به نام منصور قاسمی که قصه فیلم حول محور او و محافظت اسرا از هویت واقعی او می‌گردد، در سال ۷۵ بسیار تحسین شد و درنهایت باعث شد پورعرب بعد از دو نامزدی دریافت سیمرغ در سال‌های گذشته برای فیلم‌های «عروس» (۱۳۶۹) (در نقش حمید) و «نرگس» (۱۳۷۰) (در نقش عادل) در پانزدهمین جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را به خانه ببرد، آن هم در حالی که برای رسیدن به جایزه، رقبای نامداری را پشت سر گذاشت: خسرو شکیبایی برای فیلم «سایه به سایه»، علی مصفا برای فیلم «لیلا» و احمد نجفی برای دو فیلم «هتل کارتن» و «توفان شن». مردی شبیه باران، جزو نقش‌ها و فیلم‌های متفاوت کارنامه پورعرب است و این بازیگر تا پیش از این بیشتر در نقش جوانانی عاشق پیشه و یاغی در فیلم‌هایی عاشقانه، اجتماعی و حادثه‌ای ایفای نقش می‌کرد اما نقشی سخت و خارق عادت در مردی شبیه باران، باعث غافلگیری مخاطبان، منتقدان و داوران شد و نتیجه خوشایندی برای پورعرب به همراه داشت. هرچند شاید از منظری بعد از این موفقیت و رسیدن به قله، آن نحسی نانوشته سیمرغ و جایزه گریبانگیرش شد و پورعرب جز مواردی معدود، چندان در فیلم و نقش شاخص و موفقیت‌آمیزی ظاهر نشد اما حضور موفق او در فیلم مردی شبیه باران، باعث شد پورعرب در دو سه فیلم دیگر جنگی و دفاع مقدسی جلوی دوربین برود. از جمله در فیلم «قاصدک» ساخته قاسم جعفری که پورعرب در آن نقشی در حال و هوای منصور قاسمی بازی می‌کند، رزمنده اسیری به نام یزدان که ترکشی در مغزش دارد. جمعه جمال‌زهی، نقش او در فیلم «حماسه قهرمانان» به کارگردانی جمشید حیدری هم باز به مسیری می‌رود که در موقعیتی مشابه با منصور قاسمی و یزدان قرار می‌گیرد. با این تفاوت که او این بار درباره همکاری با عراقی‌ها به عنوان خائن و جاسوس در مظان اتهام قرار می‌گیرد اما از جایی به بعد، ورق برمی‌گردد و همان تصویری که از او انتظار داریم، روی پرده نقش می‌بندد: قهرمان. در «مردی از جنس بلور» که سعید سهیلی آن را سال ۷۷ و به خیال موفقیت دوباره همکاری در «مردی شبیه باران» ساخت، پورعرب نقش کاراکتری به نام رضا خدامردی را بازی می‌کند که از تبار جبهه و جنگ است اما گرفتار ماجرای قتل می‌شود. فیلم «معصوم» به کارگردانی داوود توحیدپرست هم اثر دیگری با خطی درباره دفاع‌مقدس است اما نقش پورعرب در آن، ارتباطی با جنگ ندارد و نقش جانباز شیمیایی قصه را فرهاد جم برعهده دارد. «زمهریر» به کارگردانی علی روئین‌تن هم آخرین فیلمی است که تا اینجا پورعرب در قصه‌ای مرتبط با جبهه و جنگ ظاهر شده.

همه این مرور و خاطره‌بازی، با دیدن پورعرب پابه سن گذاشته در شب اکران ویژه فیلم شماره ۱۰ شکل گرفت؛ ستاره‌ای که همان نخستین بازی‌اش در فیلمی دفاع مقدسی، بهترین حضور او در این زمینه هم محسوب می‌شود.